

سخن سردبیر

اگرچه اخلاق پزشکی اصولی را جهت رسیدن به مختصات مطلوب خدمات‌رسانی به بیماران، در برابر دیدگان پزشکان و کلیه شاغلین نظام سلامت، ترسیم نموده است، لیکن باید اذعان داشت که کیفیات و مصالح خاص یا به تعبیری دیگر وجوه فارقی در پاره‌ای شئون اجتماعی دخیل خواهند بود، به نحوی که اصول اخلاق پزشکی را به گونه دیگری پیاده و اجرایی می‌نمایند.

اصول خودمختاری، سودرسانی، ضرر نرساندن و عدالت، به طور عام، حاکم بر روابط پزشکی و بیمار می‌باشند، لیکن چالش‌های مواجهه با این اصول به تناسب شرایط زمانی، مکانی و با توجه به موضوعات خاص، ظاهر خواهد شد. یکی از قلمروهای موضوعی و مکانی که اخلاق پزشکی در اجرایی‌سازی اصول خود با دغدغه‌های آن روبرو است، حقوق کارکنان و وظیفه نظامی و انتظامی مشغول به خدمت در پادگان‌های نظامی و محیط‌های انتظامی است. البته این خود یک منظر از بحث چالش‌برانگیز پیاده‌سازی اصول اخلاق پزشکی در کارکنان نیروهای مسلح است، که به واسطه قواعد و قوانین حاکم بر محیط‌های نظامی و ضرورت‌هایی که در آمادگی‌های آنان به ویژه در دوران جنگ اقتضا دارد، پرسش‌های متعددی را پیش روی صاحب‌نظران اخلاق و حقوق پزشکی قرار داده است.

این مسأله تا حدی اهمیت دارد که می‌توان از دو رشته عمده اخلاق پزشکی و حقوق پزشکی، گرایش خاصی از آن تحت عنوان اخلاق پزشکی نظامی و انتظامی و حقوق پزشکی نظامی و انتظامی انتزاع نمود و در آن به بحث پیرامون بایدها و نبایدهای اخلاقی و حقوقی در فرایند توجه نظام سلامت در سازمان‌های نظامی و انتظامی با اجزا و کارکنان خود و نیز سایر افرادی که به نحوی در معادله درمانی شکل یافته در پارادایم رایج در هر حاکمیت، ایفای نقش می‌نمایند، به بحث و بررسی پرداخت. همانطور که گفته شد، مسائل مرتبط با اخلاق پزشکی نظامی و انتظامی در زمان جنگ یا در مقام اجرای مأموریت‌های نظامی و انتظامی، با حساسیت‌ها، تعارض‌ها و تضادهای وسیع‌تر و عدیدتری روبرو خواهد بود. از جمله معضلات اخلاقی در این حیطة می‌توان به اولویت تخصیص منابع و رسیدگی‌های پزشکی در مناطق مورد مناقشه خصوصاً در رابطه با نیروهای دشمن و موضع‌گیری در قبال دستورات صادر شده از سوی مافوق که با حقوق بشر و سوگند و تعهد پزشکی در تعارض باشد، اشاره نمود. به طور کلی یکی از اهم

موضوعات اخلاقی مواجه با پزشکان نظامی، تعارض در وفاداری به عهده خود بیمار و ملزوماتی که در چارچوب نظامی مقرر گردیده، می باشد.

بررسی معضلات اخلاقی و حقوقی در حیطه پزشکی در نیروهای مسلح در زمان صلح نیز با توجه به شرایط هر کشور و رویکرد متخذه نظام سلامت نیروهای مسلح در برابر عناصر پایور خود، امری بایسته و ضروری است. در این میان باید توجه داشت که در کشور ما، گروه عظیمی از عناصر نیروهای مسلح که نقش مؤثری در توان دفاعی و امنیت داخلی و خارجی را بر عهده دارند، کارکنان وظیفه‌ای هستند که بنا به نیاز در مدتی معین به خدمت گرفته می‌شوند. در مورد این گروه باید گفت، در حالی که حمایت از سلامت جسمی و روحی این افراد به ویژه با توجه به شرایطی که در آن به سر می‌برند، یک ضرورت غیر قابل تردید است، به واسطه یکسری از عوامل بیرونی و درونی مراتبی از نقض یا تعارض در اصول اخلاق پزشکی در فرایند رسیدگی پزشکی نسبت به آنان مشاهده می‌گردد.

در این زمینه وجود نگرانی اصلی تناقض آموزه‌های عام اخلاق پزشکی با اهداف کلان کشوری و یا سازمانی در پاره‌های جنبه‌ها و مصادیق، محسوس و ممکن به نظر می‌رسد. توضیح این که در جریان معارضه ضرورت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و... با واقعیات پزشکی، این امکان وجود دارد، که ضرورت‌های مذکور بر واقعیات محتوم تفوق یابند. برای مثال، در این زمینه می‌توان از تضییق اعطای معافیت‌های پزشکی از خدمت وظیفه یا لغو و تقلیل مرخصی‌های استعلاجی به جهت نیاز کشور یا کمبود نیرو در سازمان، اشاره نمود، اما در کنار این معضل می‌توان دو نگرانی عمده عملی در رابطه با اعطای خدمات پزشکی به کارکنان وظیفه را از نیز چشم‌انداز اخلاق پزشکی، نظاره نمود. از زاویه‌ای دیگر باید گفت، در جریان بررسی عالی نگرانی‌های عمده اخلاقی پیرامون خدمت‌رسانی به کارکنان وظیفه در نیروهای مسلح باید در دو مسأله اصلی مذاقه نمود:

۱- رایگان بودن خدمات پزشکی برای کارکنان وظیفه که تحت پوشش بیمه نیروهای مسلح قرار دارند، نظام سلامت نیروهای مسلح را با هجمه‌ای از تقاضا جهت دریافت خدمات، روبرو می‌نماید.

۲- منافعی که در تمارض یا نقص نمایی، به واسطه دریافت مرخصی یا معافیت از تکالیف گوناگون، وجود دارد، زمینه پیدایش یک باور ابتدایی غلط شده است که وفق آن، پرسنلی که

جهت رسیدگی به بهداشت جسمی و خصوصاً مشکلات روحی و روانی (که احراز آن‌ها در ابتدا عینیت کم‌تری دارد)، مراجعه می‌نمایند، انگیزه استفاده از منافع مزبور را دارند. دو عامل بیرونی و درونی فوق، منجر به نادیده گرفتن اصول چهارگانه اخلاق پزشکی خصوصاً اصل عدالت در مورد اول و دو اصل سودرسانی و ضرررساندن در مورد دوم خواهند گردید.

توضیح این که هزینه‌های ناشی از رسیدگی درمانی به سربازان، زمینه‌ساز معضلاتی جدی در رابطه با عدالت در حوزه سلامت نسبت به این قشر گردیده است. اطاله خدمت‌رسانی به واسطه ازدحام و عدم پیش‌بینی منابع انسانی و مادی کافی برای اختصاص به اهداف درمانی و پایین آمدن سطح کیفی اقدامات بهداشتی و درمانی، از اهم این مسائل می‌باشند. بنابراین، خطر دسترسی دشوار و کیفیت نازل دو ناقض اساسی اصل عدالت در مواجهه با کارکنان وظیفه نیروهای مسلح می‌باشند. در چنین وضعیتی افرادی که دارای وسع مالی نباشند، یا این‌که به علت اشتغال به خدمت، زمان کافی برای رسیدگی پزشکی از سایر مجاری نداشته باشند، از حقوق درمانی خود محروم می‌شوند یا این‌که به نحو شایسته به آن نائل نخواهند گردید.

مسأله بعدی در ارتباط با تقابل سازمانی با کارکنان بیمار خصوصاً در پادگان‌های نظامی است. در چنین شرایطی مجموعه‌ای از عوامل می‌توانند به تهدیدی جدی برای نادیده گرفتن حق بیمار و اضرار به سلامتی جسمی و روانی وی منجر گردند. ممانعت فرماندهان از امکان ترک وظیفه محوله به علت کمبود نیرو، پیش زمینه فکری تمارض یا نقص نمایی، برخورد شخصی، ضعف علمی و تجربی کادر درمانی و اقدام توأم با تأخیر از عواملی هستند که می‌توانند روند سودرسانی به بیمار را مختل نموده و مآلاً موجبات اضرار به وی را فراهم آورند. در این میان نقش مهم تفکر یا باور تمارض یا نقص نمایی جهت دریافت منافع تالی را نباید از نظر دور داشت. این سوگیری در نهایت می‌تواند به اظهار نظر غیر کارشناسی، ممانعت از دسترسی به فرایند تشخیصی و درمانی، کتمان بیماری، بی‌توجهی به آرای پزشکی و... خصوصاً در پادگان‌ها و مراکز نظامی ختم گردد.

یکی از مشکلات دیگری که در این راستا رونما می‌گردد و تعارضی شدید به وجود می‌آورد، افراط و تفریط‌های شوراهای پزشکی به واسطه کمبود وقت یا فقدان اطلاعات علمی و مهارت کافی و یا به لحاظ رفع تکلیف و مسؤولیت از خود (به واسطه خارج شدن از زیر بار

ریسک ناشی از تشخیص ناصحیح) می‌باشد. در واقع همانطور که پیش‌زمینه فکری تمارض می‌تواند تصمیم‌گیری پزشکی را متأثر سازد و حق بیمار را پایمال نماید، رسیدگی غیر کافی و صدور آرای پزشکی ناصحیح دال بر بیماری جسمی یا روانی و اعطای مشمولیت معافیت‌های گوناگون از برخی فعالیت‌های نظامی چون نگهبانی، رژه و... می‌تواند نوعی حس بی‌اعتمادی را در میان عناصر فرماندهی نیروهای مسلح نسبت به این تصمیم‌گیری‌ها موجب گردد و پذیرش خطر عدم اعمال آرای مذکور یا ممانعت از دسترسی به جهت پیشگیری از وقوع مفاد آنها را فراهم سازد. گزارش‌هایی مبنی بر لغو معافیت‌ها یا مخالفت اولیه با اعزام به بیمارستان در برخی از پادگان‌ها و مراکز نظامی، خود حاکی از بروز چنین بحران و بازتاب موجه و مخربی است.

بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت سلامت جسمی و روانی کارکنان وظیفه و شرایط آنها، اصول اخلاق پزشکی باید با توجه و ظرافت بیشتری مورد متابعت قرار گیرد و خصوصاً در تخصیص منابع بهداشتی و درمانی و همچنین ترسیم سازوکارهای رسیدگی بدون محدودیت و با دقت برای تعلق حقوق به صاحبان آنها، راهبردهای حرفه‌ای ویژه‌ای ترسیم گردد. باری مقوله اخلاق پزشکی نظامی گسترده و سیغی از موضوعات را با دف‌غده‌های ویژه از زوایای مختلف اخلاقی در بردارد که تاکنون کم‌تر پیرامون آن در منابع داخلی، قلم‌فرسایی شده است؛ باشد که با شناخت دقیق چالش‌ها، آسیب‌شناسی پدیده‌ها و ارائه رویکردهای علمی و عملی در این حیطه، زمینه برداشتن گامی مؤثر در جهت ارتقای اخلاق پزشکی نظامی فراهم آید.

سردبیر